

بسم الله الرحمن الرحيم

موضوع: مناجات شعبانیه ۲

تاریخ: ۱۶ مرداد ۱۳۸۷؛ ۴ شعبان ۱۴۲۹

مکان: اصفهان، نمازخانه هلال احمر

فراز دوم

«وَأَسْمَعُ دُعَائِي إِذَا دَعَوْتُكَ وَاسْمَعُ نِدَائِي إِذَا نَادَيْتُكَ وَأَقْبِلْ عَلَيَّ إِذَا نَجَيْتُكَ»

این فراز شامل سه جمله است که تقریباً هر سه به یک معناست. در این فراز عرض می‌کنیم: «وَأَسْمَعُ دُعَائِي إِذَا دَعَوْتُكَ»؛ یعنی خدایا دعای مرا را بشنو زمانی که تو را صدا می‌زنم، «وَأَسْمَعُ نِدَائِي إِذَا نَادَيْتُكَ» (و ندای مرا بشنو و اجابت کن آن وقت که تو را ندا می‌کنم)، «وَأَقْبِلْ عَلَيَّ إِذَا نَجَيْتُكَ» (و رو کن به من زمانی که با تو نجوا می‌کنم).

۱. تعریف کلمه دعا

کلمه دعا در لغت به معنای دعوت کردن از کسی یا چیزی به منظور تمایل پیدا کردن یا توجه کردن یا آمدن او به سوی ماست.

تمایل

تمایل فقط در دل است. کسی تمایل نداشته است، حال می‌خواهیم به ما تمایل پیدا کند؛ لذا دعایش می‌کنیم؛ یعنی دعوتش می‌کنیم تا تمایل پیدا کند.

توجه و روکردن

معنای توجه این است که اگر صورتش را از ما برگردانده است، به ما رو کند، صورتش را به ما متمایل کند.

حرکت با میل و توجه

صورت سوم یک چیز اضافه‌تر از آن دو دارد و آن این است که علاوه بر رغبت درونی؛ یعنی تمایل داشتن و توجه کردن، به صورت حرکت کند و به سمت ما بیاید. به این، دعوت کردن هم می‌گوییم. دعا و دعوت از یک خانواده است. فلانی را دعوت می‌کنیم؛ یعنی از او می‌خواهیم که منزل ما بیاید. برای دعا سه مصداقست، این سه چیز در یک کلمه مشترک است و آن، دعوت شیء است، طلب کردن یک چیز، درخواست کردن، به این دعا می‌گویند.

۲. مراحل دعا

۱. طلب

طلب در دل انسان است. درواقع می‌خواهم کسی به من توجه کند، به سمت من رغبت کند، پیش من بیاید. به این طلب کردن می‌گویند. طلب کردن خواستن درونی است.

۲. ابراز طلب

مرحله دوم این است که خواستن را ابراز کنیم. ابراز کردن معمولاً با زبان هست؛ اما منحصر به آن نیست. گاهی صدا می‌زنم، گاهی کارت دعوت می‌دهم، گاهی تلفن می‌زنم، گاهی واسطه می‌فرستم و... . بنابراین مرحله دوم آشکار کردن خواسته درونی است. اظهار است.

۳. طلبیدن عملی

مرحله سوم دعوت عملی است، اقدام می‌کنیم تا این کار انجام بگیرد. به مجموع این سه مرحله دعا می‌گوییم. اینکه این سه مرحله را جدا کردم برای این است که بگوییم مرحله دو اسم خاص جداگانه‌ای دارد. به مرحله دو، ندا هم می‌گویند، به شرطی که دعوت به صورت خطاب باشد، نه با نوشته یا تلفن و... . اگر خواسته درونی را آشکار کردیم؛ یعنی طرف را صدا زدیم و با زبان دعوتش کردیم، به این ندا می‌گوییم. برای ندا در فارسی «آقای فلانی یا آقای» و در عربی «یا» می‌گوییم؛ مثلاً «یا الله» می‌گوییم. «یا» در «یا الله» مطلق است؛ یعنی از جهت دوری و نزدیکی، یکی است، فرقی ندارد که طرف نزدیک باشد یا دور باشد. در همه جا «یا» می‌گوید؛ اما اگر جایی بخواهد نزدیک بودن را اظهار کند، آنجا دیگر «یا» نمی‌گوید، «أ» می‌گوید. اگر «أ» با همزه «الله» سر هم بیاید، «الله» می‌شود. «الله» وقتی است که می‌خواهد اظهار کند: خدایا، تو از رگ گردن به من نزدیکتر هستی. وقتی می‌خواهد این را آشکار کند، به جای اینکه بگوید: «یا الله»، می‌گوید: «الله». اگر هم «یا الله» بگوید، مشکلی نیست، مطلق است و دیگر در آن قرب و بعدی نیست.

در مرحله دو دعا، دعوت را آشکار می‌کند، آشکار کردن را هم گفتیم: «بأی وسیله کانت» (به هر وسیله‌ای که باشد) است. اگر دعا در مرحله دو فقط به وسیله خطاب آشکار شود، به آن ندا می‌گوییم که در عربی می‌گوییم: «الدعوته فی الخطاب» (آشکار کردن در خطاب). این تفاوت دعا و ندا است؛ ولیکن نمی‌توان گفت در مناجات شعبانیه می‌خواسته این دقت‌ها انجام بگیرد.

۱. معنای «وَأَسْمَعُ دُعَائِي» و «وَأَسْمَعُ نِدَائِي»

در مناجات شعبانیه سه جمله پشت سر هم آمده است و هر سه تقریباً یک مضمون دارد؛ اما به آنچه باید توجه کرد، اشکالی است که مطرح است: معنای «وَأَسْمَعُ دُعَائِي» این است که خدایا، دعای مرا بشنو. حال اگر این را نمی‌گفتم، اگر این را از خدا نمی‌خواستم، خدا صدای من را نمی‌شنید؟

و این در حالی است که می‌دانیم مجموع جهان در محضر خدای متعال است و وابسته به اوست؛ لذا اگر این وابستگی قطع شود، اصلاً موجودی وجود ندارد. هستی ما دلیل بر این است که با واجب‌الوجود ارتباط داریم. هستی ما خودش دلیل است. پس وقتی صحبت می‌کنم، یقیناً خدا صدای من را می‌شنود.

با توجه به این اشکال معنای «وَأَسْمَعُ دُعَائِي» چه می‌شود؟ جواب این است که اصلاً معنای مطابق «وَأَسْمَعُ دُعَائِي» یا «وَأَسْمَعُ نِدَائِي» ارائه نشده است. این ترجمه اصلاً معنایش نیست. «وَأَسْمَعُ» در اینجا کنایه از اجابت است. دعای من را بشنو؛ یعنی دعای من را اجابت کن، این کنایه از آن است. مثلاً کسی به سخن من اعتنا نمی‌کند. گوش می‌دهد؛ اما عمل نمی‌کند. من به او چه می‌گویم: گوش بده. منظورم گوش دادن نیست؛ زیرا قبلاً هم گوش می‌داد. اما گوش می‌داد و اعتنا

نمی‌کرد. منظوم از گوش دادن این است که حرفم را عمل کن. این کنایه است و هم در فارسی و هم در عربی این را داریم. «و اَسْمَعُ» به معنای «أَجِبْ» است؛ یعنی اجابت کن.

۱. شبهه تضاد «ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ» با «و اَسْمَعُ دُعَائِي»

در آیه ۶۰ سوره چهل قرآن کریم، سوره غافر که اسم دیگرش هم سوره مؤمن است، می‌فرماید: «ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ». شما به این آیه دقت کنید: خدا امر کرده است. علاوه بر اینکه امر کرده است، برای اجابت، ضمانت هم کرده است: «أَسْتَجِبْ لَكُمْ»؛ یعنی اگر دعا کنی، من اجابت می‌کنم.

درواقع آیه شریفه این است: «ادْعُونِي [إِنْ تَدْعُونِي] أَسْتَجِبْ لَكُمْ» که شرط [إِنْ تَدْعُونِي] محذوف است و قرینه حذف هم آن سکونی است که روی «أَسْتَجِبْ» است. به جای اینکه بگوید: «أَسْتَجِبْ»، می‌گوید: «أَسْتَجِبْ». این سکون دلیل بر این است که اینجا یک شرطی دارد. می‌خواهم بگویم به قول امروزی‌ها مو لای درز معنایش نمی‌رود.

حال اشکالی که مطرح می‌شود، این است که اگر ما نگوئیم اجابت کن، خدا اجابت نمی‌کند؟ خدای متعال قبل از اینکه من بگویم اجابت کن، به من دستور داده است که دعا کن: «ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ»^۱ (مرا بخوانید تا شما را اجابت کنم). به من دستور داده است: «ادْعُونِي» (دعا کن).

در این اشکال دوم که در این مناجات شعبانیه مطرح شد، می‌گوییم: خدایا دعای ما را اجابت کن؟ خدا که خودش در قرآن به دعا کردن امر کرده است، خودش هم اجابتش را ضمانت کرده است! آیا منظور این است که اگر ما نمی‌گفتیم، خدا اجابت نمی‌کرد؟ خیر. بحث به چیز دیگری برمی‌گردد. من دیگر معنای جمله را عوض نمی‌کنم. این «و اَسْمَعُ دُعَائِي» به معنای «أَجِبْ» (اجابت کن) است؛ منتهی با توجه به این اشکال دوم که می‌بینیم خلاف آیه قرآن درمی‌آید، دیگر نیاز نیست بگوئیم: اجابت کن. قرآن می‌فرماید: دعا کنید، من اجابت می‌کنم. حال به این دو نکته توجه کنید:

پاسخ به شبهه

۱. معنای اجابت

اینکه به خدای متعال می‌گوییم: اجابت کن، این نوعی جلب توجه خالق به خودمان است. درواقع می‌خواهیم توجه رحیمی خدا را، آن عنایت ویژه خدا را به خود جلب کنیم. این نظیر این است که شخص بزرگی دائماً به ما توجه دارد؛ اما مجدداً از او می‌خواهیم. از او مجدد خواستن، دلیل بر این نیست که قبلاً به ما توجه نمی‌کرد. او دائماً توجه دارد؛ اما من نیز یکبار دیگر می‌گویم: خواهش می‌کنم از شما توجه کنید و خواسته مرا را اجابت کنید و الا قبلاً هم توجه می‌کرد. معلوم است که معنای این خواستن این است که می‌خواهم عنایتی استثنایی به من کند.

می‌دانید مراتب لطف خداوند متعال بسیار زیاد است و به همه افراد یکسان لطف نمی‌کند. لطف رحیمی خدا که لطف ویژه است، نسبت به افراد فرق می‌کند و ما در مناجات شعبانیه می‌توانیم این را از خدا تقاضا کنیم تا آن عنایت ویژه را به ما بکند. این یک نکته است.

۱. غافر، ۶۰.

۲. اجابت یقینی در دعا

نکته دیگری که به ذهنم می‌رسد، این است که در دعا اجابت یقینی است؛ اما خواسته من نه. این بحث‌ها چون جایی مطرح نشده است، مقداری با تردید بیان می‌کنم، برای همین می‌گویم، احتمال دارد. وقتی دعا می‌کنیم، بی‌جواب گذاشته نمی‌شود. «إِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ»^۲ (مسلماً خدا پاداش نیکوکاران را ضایع نمی‌کند) یا «إِنَّ اللَّهَ لَيْسَ بِظَلَّامٍ لِلْعَبِيدِ»^۳ (خدا در حق بندگان هرگز ستمکار نیست). امکان ندارد خدا ظلم کند؛ یعنی من دعایی بکنم و اصلاً اعتنا نکند، حتماً جواب داده می‌شود.

فرمود: اگر مثالی خیر انجام دهید، «یره» (می‌بیند)؛ اما آیا در دعا خواسته من جواب داده می‌شود؟ نه، چنین چیزی نیست. گاهی من برای حاجت به خصوصی دعا می‌کنم، جواب من هم داده می‌شود؛ اما چیز دیگری داده می‌شود. مزد این دعایی که کردم، به من داده شد. بی‌اعتنایی امکان ندارد؛ چون این ظلم است.

اما آیا آن دعایی که من کردم خدا جواب داد؟ نه. اگر بنا باشد هرکسی هر دعایی می‌کند، همان دعا جواب داده شود، نظم جهان به هم می‌ریزد. هرکسی برای خود دعا می‌کند، یکی می‌گوید باران ببارد، دیگری می‌گوید باران نیارد. یکی می‌گوید هوا سرد باشد، دیگری می‌گوید هوا گرم باشد. یکی می‌گوید خدایا بر سر فلانی بزن، دیگری می‌گوید نه، بر سر فلانی بزن. اگر بنا باشد هرکسی هر دعایی که می‌کند، عین دعایش مستجاب شود، نظم جهان به هم می‌ریزد و اصلاً خداوند متعال باید بساط خدایی‌اش را جمع کند؛ لذا همین کاری که الآن کرده، درست است. از یک طرف دعاهایی که می‌کنیم یقیناً ثواب و مزد دارد و از طرف دیگر غالباً مصلحت نیست آن دعا مستجاب شود. چه می‌شود؟ گاهی یک ثواب یا چیز دیگری به ما داده می‌شود، گاهی هم همان دعا مستجاب می‌شود؛ منتهی بیست سال دیگر، الآن مصلحت نیست. گاهی هم همان دعا عیناً در همان لحظه مستجاب می‌شود؛ یعنی تا می‌گویند باران بیاید، همان وقت باران می‌آید.

احتمال می‌دهم در مناجات شعبانیه که می‌گوییم: «وَأَسْمَعُ دُعَائِي إِذَا دَعَوْتُكَ» دست گذاشته‌ایم روی خصوص همان دعایی که می‌کنیم. درواقع منظورم از اینکه می‌گوییم: «أَسْتَجِبُ» (اجابت کن) این است که همین دعایی که ازت می‌خواهم را اجابت کن، نه اینکه به من ثواب دهی یا نتیجه دعای من را ۲۰ یا ۳۰ سال دیگر بخواهی بدهی. پس از خدا خواسته جدیدی می‌خواهم. از خدا خواهش می‌کنم و درخواست می‌کنم که خدایا، این دعایی که الآن از تو می‌خواهم را اجابت کن. آن دعاها چیست؟ همان دعاهایی است که بعد در ادامه مناجات شعبانیه واردش می‌شویم.

این هم احتمال دوم که گفتیم «وَأَسْمَعُ دُعَائِي» به چه معنایی است.

۱. علت مستجاب نشدن دعا

یک سؤال و جواب هم اینجا عرض کنم. از آیه ۴۰ سوره غافر که خواندیم، فوری ذهن ما به یک سؤال جدید، یک سؤال تفسیری منتقل می‌شود و آن این است که آیه فرمود: «ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ» (هر وقت دعا کنید، اجابت می‌کنم).

۲. توبه، ۱۲۰.

۳. آل عمران، ۱۸۲.

سؤال این است: پس چرا گاهی اوقات دعا می‌کنیم؛ اما اجابت نمی‌شود؟ اتفاقاً این سؤال در روایت هم آمده است؛ لذا من به جای اینکه خودم جواب دهم، روایت را نقل می‌کنم؛ چون عین این سؤال را از معصوم (علیهم السلام) هم سؤال کرده‌اند. راوی پرسیده و امام (علیه السلام) جواب داده‌اند. جواب امام (علیه السلام) با آیه دیگر قرآن است. این است که می‌گویند گاهی آیه قرآن مفسر آیه دیگری است. ببینید چقدر زیباست.

الآن آیه ۶۰ سوره غافر را خدمت شما خواندم، کنارش آیه ۴۰ سوره بقره را نگاه کنید. امام (علیه السلام) آیه ۴۰ سوره بقره را به رخ او کشیدند. فرمودند: خدای متعال فرمود: من دعای شما را اجابت می‌کنم؛ اما از آن طرف هم در سوره بقره فرمود: «أَوْفُوا بَعْهْدِي أَوْفٍ بِعَهْدِكُمْ»^۴ (پیمان مرا وفا کنید تا به پیمانتان وفا کنم). به مردم گفت شما وفا کنید به عهدی که با من بستید تا من هم وفا کنم به عهدی که با شما بستم. معلوم می‌شود عهد نیست و معاهده است. معاهده یعنی طرفینی است. مردم با خدا یک عهدی بستند که باید عمل کنند، یک عهدی هم خدا با انسان‌ها بسته است.

عین معاهده را هم برایتان می‌گویم. عهدی که مردم با خدا بستند در سوره یس آمده است: «أَلَمْ أَعْهَدْ إِلَيْكُمْ يَا بَنِي آدَمَ أَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ» (ای فرزندان آدم، مگر با شما پیمان بستم که عبادت شیطان نکنید، همانا او دشمن آشکار شماست). «أَلَمْ أَعْهَدْ إِلَيْكُمْ يَا بَنِي آدَمَ» که چی؟ «أَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ».

عهدی که مردم با خدا بستند، عهد بندگی است. ما عهد بستیم که بنده خدا باشیم و او را اطاعت کنیم و گناه نکنیم. این عهد است. عهدی که خدا با ما بسته است، چیست؟ فرمود: «ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ»؛ یعنی هروقت دعا کنید، من اجابت می‌کنم. پس «ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ» مطلق نیست که بگویم خدایا چرا من دعا کردم؛ اما تو اجابت نکردی. معاهده است. معاهده یک عهد طرفینی است و خراب‌کردنش هم از ما شروع می‌شود؛ یعنی اول ما لگدمال می‌کنیم، بندگی نمی‌کنیم و بعد به خدا می‌گوییم خدایا، چرا به عهدهت عمل نمی‌کنی. عهد یک‌طرفه نیست؛ بلکه طرفینی است. خدای متعال می‌فرماید: وفا کنید به عهدی که با من بستید، خواهید دید من هم به عهدی که با شما بستم، چطور وفا می‌کنم.

در قرآن می‌فرماید: «وَادْعُوهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ» (و خدا را با خالص کردن دین و طاعت برای او بخوانید). پس خاطرمان جمع باشد، هروقت بنده خالص و کامل بودیم، اگر خالصانه دعا کنیم، دعایمان ردخور ندارد. این ضمانت الهی است. بنده کامل شویم؛ یعنی پای عهدمان محکم بایستیم و هیچ گناهی نکنیم. آن وقت اگر دعا کنیم، اجابت می‌شود. اما فعلاً مردم دنیا این طور نیستند، اینکه می‌بینید دعایشان مستجاب نمی‌شود، برای همین است. مشکل کار این است که معاهده را پاره می‌کند و مرتب به طرف مقابل می‌گوید چرا به عهدهت وفا نمی‌کنی؟ اینکه نمی‌شود!

ایران با عراق قراردادی بسته بود، عراق لگدمالش کرد، بعد به ایران می‌گوید پایبند باش. اینکه نمی‌شود. طرفین باید به عهدشان عمل کنند، ما به خدا عهد بندگی دادیم. گفتیم: خدایا ما بنده تو هستیم. می‌رویم کنار حجرالأسود استلام می‌کنیم و از دور عهد می‌بندیم، می‌رویم کنار جمرات رمی جمره می‌کنیم، این‌ها عهد با خداست. صبح‌ها دعای عهد می‌خوانیم.

۴. بقره، ۴۰.

۵. یس، ۶۰.

۶. اعراف، ۲۹.

دعای عهد چیست؟

صبح به صبح می گوئیم: عهد می بندم که بیعتی عنق من است. «عنق» همان گردن را می گویند که «لَا أَحُولُ عَنْهَا وَلَا أَرْوُلُ أَبَدًا»^۷ (هرگز از آن بر نگردم و دست نکشم). نه از بیعت صرف نظر می کنم، نه آن را زائل می کنم. تا زمانی که زنده ام پای آن ایستاده ام و «إِنِّي أُجَدُّ لَهُ فِي صَبِيحَةِ يَوْمِي هَذَا»^۸ (من تازه می کنم با او در بامداد امروز)، نه فقط امروز؛ بلکه در تمام روزهایی که زندگی می کنم، در تمام روزها من پای عهدم می ایستم.

آیه ۴۰ سوره بقره همیشه در ذهنمان باشد. خداوند متعال می فرماید: «أَوْفُوا بِعَهْدِي أُوفِ بِعَهْدِكُمْ»؛ یعنی اگر وفا کردید، من هم پایش ایستاده ام و وفا می کنم. من خدایی نیستم که تخلف کنم.

این بحث علمی اش بود. واقعیت خارجی اش چگونه است؟ شما ببینید اولیای خدا که خدا را خوب بندگی می کنند، دعایشان ردخور دارد یا ندارد؟ تا دعا می کند، مستجاب می شود. علتش چیست؟ پای بندگی خدا که می رسد، محکم می ایستند.

نقل یک داستان

شخصی بالای پشت بام بود بچه اش هم روی دوشش بود که ناگهان بچه افتاد. حمالی پایین بود، گفت: بایست. همان لحظه بچه ایستاد و حمال رفت زیرش ایستاد، بعد گفت: بیا پایین. بچه روی دستش پایین آمد. وقتی مردم این صحنه را دیدند، دورش جمع شدند. پرسیدند: کیستی؟ پیغمبری؟ امامی؟ گفت: نه، همان حمال هستم. پرسیدند: از کجا به این مقام رسیدی؟ گفت: عمری خدای متعال هرچه به من گفت: انجام بده، گفتم: چشم. یک بار هم من به خدا می گویم: انجام بده، او هم می گوید: چشم. به این داستان توجه کنید، می خواهد واقع شده باشد یا نشده باشد. این داستان مضمون همین آیه «أَوْفُوا بِعَهْدِي أُوفِ بِعَهْدِكُمْ» است.

چیزی که من از پدر خود دیدم، این است: مرحوم آیت الله حاج شیخ علی اکبر فقیه^۹ (قدس سره) می گفتند. گفتند: دعای پدرت ردخور نداشت. خودم از نزدیک می دیدم. آن وقت که چیزی را می خواستند، فوری می گرفتند. این چه بود؟ نتیجه کجا بود؟ خیلی ها حسرت می خوردند، می خواستند این خصلت را داشته باشند. این مال آن است که اولیای خدا آن وقت که بخواهند بندگی کنند، ۱۰۰ درصد بندگی می کنند؛ ولی ما آنجا را خراب می کنیم و پا ایستادیم، می گوئیم: خدایا، قول داده بودی دعای ما را مستجاب می کنی؛ پس چرا نکردی؟ آخر قول دو طرفی است. ما هم قول داده بودیم که بندگی کنیم: «أَوْفُوا بِعَهْدِي أُوفِ بِعَهْدِكُمْ». این هم جواب آن سؤال.

ما در مناجات شعبانیه چیز عالی از خدا می خواهیم: «وَأَسْمَعُ دُعَائِي إِذَا دَعَوْتُكَ»؛ یعنی خدایا وقتی صدایت می زنم، صدای من را بشنو؛ یعنی اجابت کن.

^۷. مفاتیح الجنان، فرازی از دعای عهد.

^۸. مفاتیح الجنان، فرازی از دعای عهد.

^۹. این عالم جلیل القدر از علمای شهر اصفهان و امام جماعت مسجد امام اصفهان بوده اند، هم اکنون مقبره ایشان در کنار امامزاده احمد علیه السلام واقع در پشت مسجد امام و در جنب خانه مشروطیت است.

این اجابت کن یا این است که از خدا رحمت رحیمی ویژه‌ای می‌خواهیم که استثنائاً چیز اضافه‌تری است یا اینکه چیز دیگری می‌خواهیم، گاهی خود دعاها اجابت نمی‌شود، می‌گوییم خود آن دعا را اجابت کن. مضمون دعا خیلی بالاست. امیدوارم بتوانیم در این مضامین دعا چند قدم جلو برویم.

«الحمد لله رب العالمین»